

بخش نخست

سرگذشت ملت یهود

و سرزمین اسرائیل



پروفسور امنون نتصر در این بخش از کتاب
از پیشینه‌ی یهودیان در درازای تاریخ
از هنگام شکل گرفتن به صورت یک ملت
تا بازگشت به استقلال ملی
سخن می‌گوید

گفت و گوی نهم

از دیدگاه ملت یهود حضرت داود مقام دینی و ملی و معنوی والایی

داشت



حضرت داود پادشاهی فرزانه و اندیشمندی اهل ادب و موسیقی و معنویات بود

پرسش - در این بخش از گفت و گو می خواهیم از شما پروفیسور امنون نتصر پرسیم که وقتی از سرگذشت ملت یهود سخن می گوئیم و نام شهر اورشلیم را می آوریم و به حضرت داود اشاره می کنیم، چه چیز را برای شما تداعی می کند و در واقع حضرت داود چه مقامی در مورد شهر اورشلیم دارد؟

پاسخ - در برخی گفتارهای پیشین من کم و بیش اشاره کرده و گفتم که حضرت داود بود که حکومت پادشاهی یهود را تقویت کرد و حیطة تسلط یهودیان بر این سرزمین را به اوج خود رساند و در واقع نوعی امپراتوری به وجود آورد.

حضرت داود بود که می توان گفت تقریباً همه دشمنان ملت یهود را در آن دوران تار و مار کرد. اقوامی چون ادومی ها، آمونی ها و موآبی ها، پلشتی ها، عمالقه، و دیگرانی که شمار آنان کم نبود و قصد تعرض به سرزمین یهود را داشتند، در جنگ ها مغلوب شدند و از این اندیشه دور گردیدند.

اقوام و ملل دیگری نیز بودند که گرچه از نظر جغرافیائی از خاک اسرائیل فاصله بسیار داشتند، ولی یک خطر بالقوه جدی برای کشور یهود به شمار می آمدند. در این جا می توان از دو دشمن قوی و خطرناک سخن گفت که یکی از آن ها مصر بود. البته مصر با حضرت داود از نظر قدرت نظامی و سیاسی در منطقه تا حدودی کنار آمد. خطر بالقوه دیگر از جانب سرزمین آرامی ها بود که در شمال خاک اسرائیل قرار داشت و همان سرزمینی است که سوریه و لبنان امروز در آن جا قرار دارد.

از این رو می توان گفت که نام حضرت داود برای ملت یهود، و خدمات بسیار گرانبهائی که او برای ملت خویش انجام داد، در ذهنیت یهودیان مقامی بس ویژه دارد و نه تنها به عنوان یک نماد دینی از او یاد می شود، بلکه حضرت داود نماد راستین ملیت و وطن گرایی یهودیان نیز بوده و هست.

در دوران حضرت داود بود که کارهای مقدماتی برای برپاسازی معبد مقدس یهود (بیت المقدس) که تاریخ دانان از آن به عنوان "معبد نخست" نام می برند، آغاز گردید و در دوران سلطنت پسر وی، یعنی حضرت سلیمان بود که با تلاشی که دوازده سال به درازا کشید توانست ساخت بیت المقدس را به انجام برساند و آن بنای باشکوه را که نماد ملیت و قومیت و مذهب یهود بود افتتاح کند.

پرسش - پروفیسور نتصر، شما در سخنان خویش سه عامل را پایه عظمت و رادمردی حضرت داود می دانید: شما می گوئید که او امپراتوری یهود را برپا کرد، اورشلیم را به عنوان پایتخت یهود بنا کرد و برنامه ساخت بیت المقدس را که نیایشگاه مرکزی یهودیان و مظهر دین و ملیت آنان بود تهیه دید.

پاسخ - بله، اجازه دهید عامل مهم دیگری را نیز اضافه کنم و آن این که حضرت داود موجب انسجام و وحدت ملی بین همه قبائل یهودی گردید و آنان را به یک ملت واحد مبدل ساخت.

به یاد دارید که در گفتارهای پیشین اشاره کردم که ملت یهود نیز در آن دوران، همانند اکثر ملت ها و اقوام دیگر اطراف خود، یک ملت طایفه ای بود و به دوازده قبیله تقسیم می شد که آن ها را "اسباط دوازده گانه" می نامند.

یادآوری می‌کنم که وقتی نخستین پادشاه یهود که "شائول" نام داشت توسط شموئیل نبی که رهبر مذهبی قوم بود با روغن‌های معطر "مسخ" شد و آئین برگزینی او انجام گرفت، توانست تا حدودی در راه یگانه ساختن قبائل یهود موفق شود.

ولی در دوران حضرت داود بود که این روند به اوج خود رسید و یهودیان از دوازده قبیله به یک ملت واحد مبدل شدند. بنابراین حضرت داود است که می‌توان او را مظهر ملیت و یگانگی ملت یهود دانست، که در کنار آن باید اهمیت معنوی وی را نیز قرار داد.

پرسش - شما در گفتارهای پیشین از خصوصیت‌های دیگری نیز درباره حضرت داود سخن گفتید: فردی که سپهسالار و مرد رزم بود، انسانی که طبعی بسیار لطیف داشت و به شاعری می‌پرداخت و اشعار بسیار زیبایی به او نسبت داده شده است. حضرت داود موسیقی نیز می‌نواخت و "مزامیر داود" را که در کتاب مقدس گنج‌انیده شده به او نسبت می‌دهند.

پاسخ - بله، سروده‌های موسوم به "مزامیر داود" در واقع بیانگر جنبه‌های معنوی و احساسی حضرت داود است.

البته توضیح دهم که طبق دیدگاه بسیاری از محققین و پژوهشگران تاریخ یهود، شماری از سروده‌هایی که در "مزامیر داود" آمده و به حضرت داود نسبت داده شده، متعلق به دوره‌های بعد از او بوده است.

به عنوان مثال، در برخی از این سروده‌ها، از اسارت بابل سخن رفته، یعنی اشاره به ایامی دارد که سرزمین یهود توسط امپراتوری بابل (عراق امروز) تصرف شد و بخش بزرگی از این مردم به تبعید و اسارت بابل فرستاده شدند، که همه این وقایع پس از درگذشت حضرت داود روی داد.

در گفت و گوهایی بعدی درباره دو نوبت به اسارت رفتن یهودیان در دو دوره تاریخی سخن خواهیم گفت که یکی اسارت آشور بود و دیگری اسارت بابل.

بازگردیم به حضرت داود، او واقعا برای یهودیان مظهر همه نیکوئی‌ها بود. بی‌جهت نیست که ملت یهود، نه تنها در نیایش‌های خویش، بلکه در بیان امیدها و آرزوهای خود، بر این باور است که پیامبری که باید ظهور کند و یهودیان را از سختی و دشواری و رنجی که هم اکنون به آن دچار هستند نجات دهد، یعنی "ماشیح" (Mashiah משיח) یا "مهلی موعود یهودیان" از سلاله حضرت داود خواهد بود.

واژه ماشیح از واژه دیگری می‌آید که مفهوم آن "مسخ" (روغن مالی) است، زیرا منجی یهودیان عالم هنگامی که ظهور کند، بدن او را همانند پادشاهان یهود با روغن‌های معطر تظهير می‌کنند.

پرسش - سخن ما درباره حضرت داود ادامه دارد و در این جا می خواهیم بپرسم که "مزامیر داود" و به نامی دیگر "زبور داود" چیست؟

پاسخ - به احتمال بسیار، این سروده ها اشعاری معنوی و عاطفی و امیدوار کننده بود که در ذهن یهودیان جای می گرفت و در نیایش های آن ها بازگو می شد. این ها سروده هائی در توصیف خداوند است و در ستایش و سپاس از پروردگار که این ملت را به چنین جایگاه بلندی آورده است.

بیشتر این سروده ها در خود معبد مقدس توسط نمازگزاران خوانده می شده است.

در آئین های مذهبی در این معبد، کاهنان این سروده ها را تلاوت می کردند و تا امروز نیز پس از گذشت بیش از سه هزار سال، یهودیان در کنیساها و همچنین در پای "کتل همعراوی" (כותל המערבי Kotel Ha-Ma'arvi - حصار غربی، معروف به دیوار ندبه) که یگانه بازمانده از بنای بیت المقدس یهود است، این مزامیر را می خوانند و به شکرگزاری می پردازند.

این سروده ها امروز با همان نظم و ترتیبی در دست است که در دوران باستان تلویین شده بود. این ها همان سروده هائی است که در سه هزار سال پیش نیز در معبد مقدس یهود توسط کاهنان تلاوت می شده است.

کاهنان این سروده ها را با صدای خوش می خواندند و شما خوب می دانید که صدای دلنشین را "صدای داودی" نیز می نامند. زیرا حضرت داود نه تنها شاعر بود، نه تنها موسیقی می نواخت که "چنگ" (هارپ امروزی) نامیده می شد و در زبان عبری آن را "چنگ داودی" نیز می نامند، بلکه صدای خوشی نیز داشت و آواز هم می خواند.

پرسش - "مزامیر داود" سروده هائی بسیار لطیف و شاعرانه است و حتی جنبه عاشقانه نیز دارد. ولی همین سروده ها با همین کیفیت است که شما گفتید مبدل شده به نماد قومیت و ملیت یهودیان در طول چند هزار سال تاریخ آنان.

پاسخ - بله، نباید فکر کرد که مظهر فرهنگ و باور یک ملت فقط ساختمانی است که می سازند و یا هواپیماهائی که تولید می کنند و یا وسائل الکترونی که به طراحی آن ها می پردازند.

اساس پایداری و ماندگاری هر ملت، اصولاً همین نمادهای فرهنگی است - همین اشعار و ترانه ها و سروده ها، و همین گنجینه های فرهنگی و ادبی.

در مورد ملت یهود باید بگویم که اگر این نشانه ها وجود نداشت، شاید هم ملت یهود امروز وجود نداشت. پیشتر هم گفتم که ملت هائی که چنین گنجینه فرهنگی و ادبی را نداشته اند، از میان رفته اند و اثری از آن ها باقی نمانده است.

در گفتارهای پیشین در مورد قومی که "پلشتیم" نامیده می شد گفتیم که آن ها فرهنگ و ادبی از خود باقی نگذاشتند و از این رو امروز اثری از آنان باقی نمانده است.

در این جا باید به یک اثر ادبی دیگر در کتاب مقدس یهود نیز اشاره کنم و آن سروده های حضرت سلیمان است که آن هم ظاهراً جنبه عاشقانه دارد.

این ها همه اساس فرهنگ و ادب و ملیت قوم یهود را تشکیل می دهند.

پرسش - کتاب "مزامیر داود" در طول قرن ها در ادبیات یهود و جهان جایگاه ویژه ای داشته است.

پاسخ - بله، مسلم است. بسیاری از ابیات مزامیر داود در نیایش های یهود جای گرفته است. یعنی کاهنان و روحانیون و رهبران معنوی یهود در چند هزار سال پیش هنگامی که به تدوین نیایش ها پرداختند، بخش های عمده ای از مزامیر را که سروده های بسیار زیبایی است در نیایش های یهود گنجاندند.

شما هنگامی که در اورشلیم گردش می کنید، افرادی را در خیابان و یا ایستگاه اتوبوس و یا داخل اتوبوس می بینید که کتاب کوچکی را در دست دارند و آن را با دقت می خوانند و واژه ها را زیر لب زمزمه می کنند و آشکار است که به نیایش مشغول هستند. این ها باورمندان هستند که با استفاده از کمترین فرصتی که برایشان پیش می آید به خواندن "مزامیر داود" می پردازند و آن سروده ها را همانند نیایش بازگو می کنند.

بسیاری از باورمندان یهودی کتاب مزامیر داود را که در قطع کوچکی نیز به چاپ رسیده، همیشه در جیب خود دارند و در هر فرصت آن را بیرون می آورند و به خواندن سروده های آن می پردازند.

اگر "مزامیر داود" را نماد و مظهر بیت المقدس یهود بدانیم، باورمندان یهودی هر کجا که می روند، در واقع بیت المقدس را با خود به همراه دارند.

پرسش - به مطلب دیگری در گفته های خود اشاره کردید که مایلم بیشتر درباره آن بدانیم و آن این که از بزرگی های حضرت داود آن بود که اورشلیم را به عنوان پایتخت کشور یهود تعیین کرد و بزرگترین تپه ای را که در این شهر وجود دارد به عنوان جایگاه بنای معبد مقدس اختصاص داد و به طرح ریزی برپائی بیت المقدس یهود پرداخت، ولی خود وی سعادت آن را نداشت که ساخت این بنا در دوره حکومت وی تکمیل شود. در این باره بفرمائید.

پاسخ - بله، به دلائل گوناگون، ساخت بیت المقدس در دوران خود حضرت داود به انجام نرسید، بلکه این مهم به دست فرزند او حضرت سلیمان انجام گردید.

ابتدا بگویم که نباید دوران چهل ساله حکومت حضرت داود را با دوران فرمانروایی چهل ساله فرزندش مقایسه کرد - زیرا تقریباً همه کارهای سخت و هدف های دشوار آغازین دوران سلطنت یهود ، به دوش حضرت داود افتاده بود.

تمام جنگ ها، نزاع ها و نبردها علیه قدرت های همسایه در دوران حضرت داود رخ داد. او آن قدر گرفتار انجام این گونه رسالت های فوری بود که دیگر فرصتی برایش باقی نمی ماند که بیاید و بنای عظیمی را چون بیت المقدس یهود ساخته و آماده سازد.

داود پادشاه یهود دائماً در حرکت و سفر بود. یک روز در شمال به سر می برد و روز دیگر عازم جنوب کشور می گردید. دشمنان از هر سوی حمله ور می شدند. حضرت داود ناچار بود از مرزهای این سرزمین و از مردمان این ملت دفاع کند - که این ها همه مقدار زیادی از وقت آن حضرت را در دوران سلطنت او می گرفت.

این علت اصلی آن بود که چرا خود حضرت داود فرصت نکرد ساخت و ساز بیت المقدس یهود را به عهده بگیرد و به انجام برساند.

موضوع دیگری که می خواهم در این جا بیان کنم و تصور دارم که در گذشته نیز اشاراتی به آن کردم، در مورد تپه ای است که به روی آن بیت المقدس یهود بنا گردید و تپه "صیون" (صهیون) نام دارد.

در واقع یکی از انقاب و کنیه های شهر مقدس اورشلیم "صیون" است. این "واو و نون" در پایان این نام شبیه همان تنوینی است که در زبان های سامی و به ویژه زبان عربی وجود دارد.

بنابراین، سه حرف "صیه" (صاد - ی - ه) که در زبان های سامی به مفهوم "تپه" بیان می شود، به مفهوم زمینی است که هنوز در آن ساخت و ساز نشده است. جایگاهی است که بکر و بایر مانده است. این نام همین طور باقی ماند و به مرور زمان به "صیون" یا به عربی "صهیون" مبدل شد - و امروز که از صیونیسم نام برده می شود، منظور همان تپه صیون و شهر اورشلیم است.

با استناد به این واقعیت می توان گفت که جنبش "صیونیسم" بر می گردد به سه هزار سال پیش و دوران حضرت داود. او برای احداث بیت المقدس یهود زمینی را اختصاص داد که به هیچ یک از قبائل یهود تعلق نداشت و بحثی در مورد مالکیت آن نبود.

حضرت داود از آن رو تپه ای را برگزید که بدون مالک بود، تا به همه قبائل یهود نشان دهد که فرقی بین آنان قائل نیست و بیت المقدس را در زمینی بنا نمی کند که به یکی از قبائل دوازده گانه تعلق داشته باشد و آن قبیله احساس برتری بر دیگران را نکند. حضرت داود نمی خواست امتیازی به یک سبط (قبیله) بدهد که نتواند همان را به قبائل دیگر نیز اعطا کند.

پرسش - می خواهم یادآوری کنم که یکی از القاب بیت المقدس یهود "معبد سلیمان" است.

پاسخ - بله به خاطر آن که معبد را حضرت سلیمان بنا کرد. در واقع می توان گفت که این پادشاه یهود طراح و معمار بیت المقدس یهود بود.

درست است که اندیشه بنای بیت المقدس را نخستین بار حضرت داود مطرح ساخت و حتی اساس و پایه اجرای این برنامه را نیز فراهم آورد. در واقع می توان گفت که این طرح ها و طرز ساخت به صورت آماده در یک سینی طلائی به حضرت سلیمان هدیه گردید.

می توان گفت که دوران سلطنت سلیمان، در تاریخ پادشاهی اسرائیل یک دوران رفاه و آرامش بود. البته این آرامش نسبی بود، ولی به همان ترتیب می توان گفت که یک دوران شکوفائی اقتصادی برای ملت یهود بود.

دوران سلیمان بود که ارتباطات بازرگانی اسرائیل با دیگر سرزمین ها، حتی به حبشه و هندوستان نیز رسید. در آن دوران، اسرائیل با سوریه و لبنان داد و ستد بازرگانی داشت. بیشتر مصالح ساختمانی بیت المقدس را حضرت سلیمان از کشورهای همسایه وارد کرد.

در واقع این آرامش وجود داشت که برای رسیدن به آن، همه زحمات را حضرت داود کشیده بود و بهره آن را حضرت سلیمان می برد. هم او بود که توانست کار ساخت و انجام بنای معبد مقدس را در ظرف دوازده سال به پایان برد. محل احداث بیت المقدس یهود یا "تپه صیون" در فاصله یک کیلومتری از همین استودیوئی در اورشلیم قرار دارد که اکنون من و شما در آن جا نشسته ایم و داریم گفت و گو می کنیم.

بیت المقدس یهود، هنگامی که احداث آن به انجام رسید، دوباره به نماد ملیت و مملکت داری یهود مبدل شد و کانون کشورداری ملت یهود گردید. از یک سو نماد دین و باورهای مذهبی یهودیان و از سوی دیگر مظهر ملیت و سیادت و حق حاکمیت یهود بر سرزمین پدری خویش بود.

پرسش - در این بخش از گفتگو خواهش می کنم توضیحاتی درباره مشخصات خود معبد در اختیار شنوندگان بگذارید و به فرمائید که ابعاد معبد و مساحت آن چقدر بود. چه درصدی از خاک اورشلیم به ساخت معبد خداوند اختصاص یافته بود؟

پاسخ - وسعت بیت المقدس یهود کم و بیش همان مساحتی است که امروز دو مسجد "الاقصى" و "قبة الصخره" (معروف به "مسجد عُمَر") به روی آن قرار دارد. ابعاد و مساحت تپه صیون هیچ فرقی نکرده و همان است که در سه هزار سال پیش نیز وجود داشت.

ناصر خسرو ادیب بزرگ ایرانی صحن این مکان را گام به گام متر کرده و آن را در کتاب سفر نامه خود آورده است و دقیقاً می گوید که طول و عرض این مکان مقدس چند گز

بوده است. البته صحن مقدس به صورت یک مستطیل کامل نیست، بلکه تا حدودی شبیه ذوزنقه است، زیرا عرض آن در بالا و پائین با هم برابر نیست.

مکانی که حضرت داود برای بنای بیت المقدس انتخاب کرد در شمال همان نقطه ای قرار دارد که پادشاه یهود در آن جا پایتخت خود را برپا ساخت. در همان نزدیکی جایگاه سلطنتی پادشاه یهود، امروز آرامگاهی قرار دارد که به نام "مزار حضرت داود" شهرت یافته است.